

## فرهنگ مصرفی و تخریب طبیعت: رویکرد انجمن‌های زیست‌محیطی به بحران زیست‌بوم (مطالعه موردی: انجمن سبز چیا، مریوان)

شفیع جوادزاده اقدم<sup>۱</sup>

جمال محمدی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر تلاشی است در جهت واکاوی انتقادی سیاست سبز که مبنای رویکرد انجمن‌های زیست‌محیطی به بحران زیست‌بوم است. این تلاش با اتکا به مقوله فرهنگ مصرفی و نقش جهانی آن در تخریب محیط زیست انجام می‌گیرد. استدلال اصلی این است که انجمن‌های زیست‌محیطی در تحلیل ریشه‌های بحران زیست‌بوم و ارائه راهکارهای مقابله با آن از نقش سازوکارهای جهانشمول سرمایه‌داری غفلت می‌ورزند و با تمرکز بر عوامل جزئی محلی به دام نوعی کیش حاشیه‌گرایی می‌افتند. از منظر این پژوهش، تخریب طبیعت در جهان کنونی چیزی جدا از مناسبات اجتماعی و سیاسی نیست و فقط با تأمل در نشانگان متون و اسناد و نیز با تحلیل نگرش‌ها و فعالیت‌های کنشگران مربوطه می‌توان این پیوند را آشکار ساخت. میدان مطالعه انجمن‌های زیست‌محیطی کردستان و به‌طور مشخص انجمن سبز چیا در شهر مریوان است. داده‌ها در دو سطح گردآوری شده‌اند: متون و اسنادی که این انجمن تولید و منتشر کرده است و مصاحبه با اعضای فعال این انجمن درباره نگرش‌ها و رفتارهای آن‌ها در قبال محیط زیست. داده‌های نوع اول از طریق روش خوانش نشانه-گرایانه تحلیل شده‌اند و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از طریق روش تحلیل مضمونی. نتایج بیانگر آن است که فرهنگ-سازی، ساده‌زیستی، زاگرس، زرباره، جمعیت، خشونت، کمپین، مدیریت، حقوق بشر، نوستالوژی و اکوتوریسم محوری‌ترین نشانه‌های مورد استفاده این انجمن در اسناد نوشتاری است. همچنین قانون‌گرایی، هویت‌طلبی و واقع‌گرایی عمده‌ترین مضامین مرتبط با سیاست سبز در انجمن چیا هستند. به طور کلی تأمل انتقادی بر داده‌ها حاکی از آن است که تمهیدات نشانگانی چیا در جهت بازنمایی محیط‌زیست ذیل سیاست پدیدار مفضل‌بندی شده که نتیجه‌ی آن نامرئی‌کردن کلیت اجتماعی در تحلیل بحران زیست‌بوم است.

**کلید واژگان:** محیط‌زیست، بحران زیست‌بوم، سیاست سبز، خوانش نشانه‌گرایانه، انجمن سبز چیا.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ - 2021/04/14

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶ - 2021/06/06

۱. کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (argashakdam@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (m.jamal8@gmail.com)

### مقدمه و طرح مسئله

انجمن سبز چیا در مریوان یک ان‌جی‌او زیست‌محیطی است که از سال ۱۳۸۱ شروع به فعالیت نموده و در سال ۱۳۸۶ موفق به اخذ مجوز رسمی شده است. عمده‌ی فعالیت‌های این انجمن از بدو تأسیس تاکنون در قالب راهبرد کلی سیاست سبز انجام گرفته است. بودجه‌ی این انجمن از طریق حق عضویت اعضا و کمک‌های دولتی تأمین می‌شود و هدف اصلی آن، طبق اساسنامه، فعالیت در جهت حفاظت از محیط‌زیست و آموزش و نهادینه کردن رفتارهای مثبت زیست‌محیطی در مریوان است. شکل‌گیری این انجمن، به‌مانند دیگر نمونه‌های آن در کشورهای مختلف، پاسخی است به بحران‌های جهان‌شمول زیست‌محیطی برآمده از سرمایه‌داری مصرفی که اینک وضعیتی اضطراری را برای بقای بشر و حیات کره‌ی خاکی رقم زده‌اند. تراکم گازهای گلخانه‌ای و به‌تبع آن افزایش دمای کره‌ی زمین، افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی، جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی، فرسایش خاک، آلودگی هوا، کاهش ذخایر زیرزمینی آب و غیره نمونه‌های بارز این بحران‌اند. نمودهای این بحران زیست‌محیطی نه‌فقط در سطح جامعه‌ی مصرفی جهانی بلکه حتی در رسانه‌های داخلی نیز دائماً مورد بحث است: این‌که دمای هوا از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ هر سال حداقل یک درجه‌ی سانتی‌گراد افزایش پیدا می‌کند؛ این‌که تا ۸۰ سال آینده ۶۰ درصد از گونه‌های مختلف ماهیان منقرض شوند (تسنیم، ۲۰۲۰، ۱۲ جولای)؛ نیز در چهار ماهه نخست سال جاری، ۱۶۸۹ فقره اطفاء آتش‌سوزی در سطح ۱۸۶۲۰ هکتار از اراضی جنگلی و مرتعی کشور به وقوع پیوسته است (تسنیم، ۲۵ مرداد ۱۳۹۹). بنابراین نیازی به اقامه‌ی ادله و ذکر علایم برای اثبات وجود بحران زیست‌محیط نیست.

آن‌چه مهم است تحلیل ریشه‌های سیستمیک و ارایه‌ی راه‌کارهای عملی برون‌رفت از این بحران است. از این‌رو، «ریشه‌ی بحران جهانی محیط‌زیست را نه در طبیعت که در جامعه باید جست» (فاستر، ۱۳۹۶: ۱۵۱). در فرهنگ مصرفی معاصر، مخاطرات زیست‌محیطی واجد علل و پیامدهای متکثراند و نظم گفتمانی مسلط بر جامعه‌ی مصرفی نقشی بی‌سابقه در تخریب گسترده‌ی محیط‌زیست ایفا می‌کند. بدین ترتیب، «نظر به این‌که بخش اعظم ارزش‌های زیست‌محیطی، ارزش‌های انسانی و اجتماعی‌اند، جنبش دفاع از محیط زیست عملاً جنبشی اجتماعی است» (بورکت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲: ۱۷). این جنبش که امروزه در قالب انواع انجمن‌ها و تشکل‌ها در سراسر جهان ایده‌ها و فعالیت‌های خاصی را پیگیری می‌کند، از دهه‌ی ۱۹۶۰، در تداوم رشد جنبش‌های نوین اجتماعی در غرب، وارد عرصه‌ی فعالیت‌های مدنی شد. «کار اصلی این جنبش آموزش همگانی نسبت به رابطه‌ی متقابل انسان و طبیعت، و بازتاب تخریب محیط‌زیست در سلامتی انسان، سازماندهی داوطلبان و توزیع آگاهی و تجربه‌های بیشتری نسبت به مشکلات زیست‌محیطی است» (علمداری، ۱۳۹۸: ۸).

<sup>۱</sup> - Burkett

تشکل‌های زیست‌محیطی از سال ۱۳۷۱ در ایران به وجود آمدند. در این سال پنج سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در کشور تشکیل شد و تا سال ۱۳۸۰ تعداد تشکل‌های زیست‌محیطی به عدد ۳۷۵ و در آغاز دهه نود این رقم به حدود ۱۵۰۰ سازمان رسید. «فعالیت اکثر این سازمان‌ها، آگاه‌سازی و آموزش شهروندان در زمینه مسائل محیط‌زیست شهری است، اما در عین حال در بعضی زمینه‌های دیگر نیز، مانند پرورش حیوانات، توسعه روستایی، بیابان‌زدایی و حفاظت از جنگل، فعالیت می‌کنند. روش فعالیت آن‌ها شامل برگزاری کلاس و کارگاه‌های آموزشی، آموزش چهره‌به‌چهره در محله‌ها، برگزاری سمینار و همایش‌های علمی و آموزشی، انتشارات، دادن بیانیه، برگزاری نمایشگاه و بازار سبز و غیره می‌شود. اخیراً نیز بعضی از آن‌ها در حال نفوذ به رده‌های بالای تصمیم‌گیری هستند. برای مثال ارائه پیشنهاد به کارشناسان تهیه برنامه‌ی پنج‌ساله توسعه، برگزاری جلسات گفتگو با نمایندگان مجلس و اعضای شورای شهر و ارائه پیشنهاد برای وضع قوانین از جمله فعالیت‌های انجام‌شده‌ی ان‌جی‌او‌های زیست‌محیطی است که به منظور اثرگذار شدن در برنامه‌های کلان انجام می‌شود» (شکری، اسماعیل‌زاده و رفیعی: ۱۳۸۴).

مسئله‌ی محوری پژوهش حاضر تحلیل خط‌مشی، رویه‌های تصمیم‌گیری و نوع فعالیت‌های جنبش‌های زیست‌محیطی با تأکید بر انجمن سبز چیا در شهر مریوان است که اعضای آن عمدتاً قالب ان‌جی‌او را برای فعالیت انتخاب می‌کنند. هدف اصلی فهم سرشت جنبش زیست‌محیطی و درک ماهیت سیاست سبز به‌عنوان پاسخی به پیامدها و مخاطرات جامعه‌ی مصرفی متأخر است. مبنای اصلی فعالیت در جنبش‌های زیست‌محیطی و ان‌جی‌او‌های مرتبط با آن اندیشه‌ی سبز است که می‌گوید عامل محوری تخریب محیط‌زیست همانا مداخله‌ی انسان در طبیعت است. طبق این اندیشه، توسعه‌ی پایدار از طریق ترکیبی از روش‌های فنی، مثل مالیات سبز و طرح‌های یارانه‌ای، و تغییر در ارزش‌ها و رفتارهای فردی (مثلاً ترویج بازیافت همراه با مصرف محصولات سالم از نظر اکولوژیکی)، بدون تغییر در روابط اجتماعی‌ای که مردم را با شرایط تولیدشان متصل می‌کند، حاصل می‌شود (بورکت، ۱۹۹۲: ۱۸). این اندیشه مبنای اصلی فعالیت انجمن‌های زیست‌محیطی از جمله انجمن سبز چیا است و همان چیزی است که پژوهش حاضر درصدد نقد آن است. انجمن سبز چیا، به پیروی از اندیشه‌ی سبز، در سطح محلی با فعالیت‌هایی هم‌چون کاشت بذر بلوط، کمپین زاگرسانه، پاک‌سازی زباله‌های زریبار، پرنده‌نگری، کمپین‌های گوناگون تبر سبز، روستاتکانی، سیزده‌به‌در و غیره دغدغه‌ی حفاظت از محیط‌زیست را پی می‌گیرد و بدین طرق در برابر بحران زیست‌محیطی مقاومت می‌کند. این انجمن در مقام نهادی مدنی با توصیه‌هایی چون برحذر داشتن افراد از ریختن زباله در اماکن عمومی و تفرجگاه‌ها یا مصرف بهینه‌ی آب، خود را موظف می‌داند روش درست برخورد با طبیعت را به شهروندان آموزش دهد و در یک کلام، به‌مانند سایر انجمن‌های برآمده از جنبش زیست‌محیطی، تغییر سبک زندگی افراد را اصلی‌ترین راه‌کار برون‌رفت از بحران موجود تلقی می‌کند. کوشش پژوهش

حاضر واکاوی انتقادی سبک ان‌جی‌اوی فعالیت‌های زیست‌محیطی انجمن چیا از رهگذر به-پرسش‌گرفتن سیاست سبز است. به بیان دیگر، این تحقیق می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که سیاست سبز و فعالیت‌های مبتنی بر آن چگونه می‌تواند، در عصر سیطره‌ی بلامنازع مناسبات سرمایه و فرهنگ مصرفی، پروژه‌ی حفاظت از محیط‌زیست را در عمل به نتیجه برساند.

### فعالیت بشری و محیط زیست

تأمین نیازهای اساسی بشر که مستلزم دخل و تصرف در طبیعت است به صورت بی‌واسطه انجام نمی‌گیرد و تجربه‌ای میانجی‌مند است. این میانجی همان «کار» است. «انسان به میانجی کار متعین روابطی را با طبیعت و به تبع آن با انسان‌های دیگر در چارچوب کار مجرد اجتماعاً تعیین شده جهت برآورده‌ساختن نیازهایش برقرار می‌سازد. انسان‌ها هنگام تولید، نه فقط بر طبیعت بلکه بر یک‌دیگر نیز اثر می‌گذارند و در همکاری با یک‌دیگر به شیوه‌ای معین و به گونه‌ای متقابل فعالیت‌های خود را مبادله می‌کنند. انسان‌ها برای آن که تولید کنند، پیوندها و مناسبات مشخصی با یک‌دیگر برقرار می‌سازند و در چارچوب این پیوندها و روابط اجتماعی است که کنش آن‌ها بر طبیعت و نیز تولید رخ می‌دهد» (مارکس، ۱۳۹۷: ۳۹). به این اعتبار انسان از طریق کار خود در طبیعت به امر تولید مایحتاج زندگی اقدام می‌کند و در نتیجه طبیعت از رهگذر تولید به تاریخ انسان راه می‌یابد. کار صرفاً ابزاری مکانیکی نیست که انسان به وسیله‌ی آن نیازهایش را ارضا کند بلکه در واقع، کار فرایند خود-تحقق‌بخشی<sup>۱</sup> بشر در تمام ادوار تاریخی است. بنابراین مواد و مصالحی را که انسان جهت برآورده‌ساختن نیازهایش به کار می‌بندد صرفاً بر طبق اراده‌ی فردی او انتخاب نمی‌شوند بلکه شرایط طبیعی و اجتماعی آن‌ها را بر وی عرضه می‌کند. از این منظر دیالکتیکی، جهان طبیعی و جامعه‌ی انسانی نه هم‌چون دو پدیده‌ی مجزا بلکه به مثابه‌ی اجزای یک کل دیالکتیکی در نظر گرفته می‌شود. طبق این نگرش، «هیچ‌یک از این دو ساحت را نمی‌توان مستقل از یک‌دیگر فهمید و نیز نمی‌توان یکی را به دیگری فروکاست. لذا تاریخ دو جنبه دارد: تاریخ طبیعت و تاریخ انسان، که به‌هیچ‌رو جوهرهایی مستقل نیستند. مادام که انسان وجود داشته است طبیعت و انسان بر یک دیگر تأثیر گذاشته‌اند» (فاستر، ۱۳۸۲: ۳۹۱).

کشاورزی در عصر سرمایه‌داری دیگر خودپاینده نیست، یعنی «دیگر شرایط طبیعی تولید خود را در درون خود نمی‌یابد و به‌طور طبیعی حاصل نمی‌آید و خودانگیخته و در دسترس نیست بلکه همه این‌ها به‌صورتی مستقل از او وجود دارند» (فاستر، ۱۳۸۳: ۲۸۳). این را در اصطلاح گسست متابولیک<sup>۲</sup> می‌نامند که همچنین اشاره دارد به اختلال در فرایند بازآوری طبیعت که منجر به شکل‌گیری تضاد شهر و روستا و شکافی مرمت‌ناپذیر در متابولیسم میان انسان و طبیعت شده است. به‌باور مارکس، حتی پدیده‌ای سراپا طبیعی مثل حاصل‌خیزی خاک کیفیتی کاملاً طبیعی نیست بلکه به‌طور تنگاتنگی

1. self-realization
2. metabolic rift

با روابط اجتماعی یک دوره‌ی مشخص تاریخی گره خورده است. مثال ساده‌اش این است که در بسیاری از جوامع پیشاسرمایه‌داری، حیوانات مزرعه به‌طور مستقیم در تولید کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. آن‌ها از غلات مزرعه تغذیه می‌شدند و کود غنی از مواد مغذی آن‌ها دوباره به‌عنوان کود به خاک افزوده می‌شد. افرادی که در حومه‌ی شهرها زندگی می‌کردند در درجه‌ی اول غذا و الیاف خود را در همان حوالی تولید و مصرف می‌کردند. در نتیجه ضایعات‌شان نیز در چرخه‌ی مواد مغذی ادغام می‌شد و به حفظ حاصل‌خیزی خاک کمک می‌کرد (فاستر و کلارک، ۲۰۲۰). نتیجه‌ی نظری این است که نزد مارکس متابولیسم اجتماعی<sup>۱</sup> بر پایه‌ی متابولیسم جهانی طبیعت<sup>۲</sup> بنیاد نهاده می‌شود. بدین معنا که خود فرایند کار، شامل مبادله‌ی مادی میان نظام‌های زیست‌محیطی است که تحت تسلط نظام‌های اقتصادی و نهادهای اجتماعی، یا همان متابولیسم اجتماعی، تعیین می‌یابد.

### فرهنگ مصرفی و کالایی شدن طبیعت

تخریب زیست‌بوم در دوره‌ی مدرن با مفهوم کالایی‌سازی<sup>۳</sup> طبیعت قابل توضیح است، فرایندی که طی آن ارزش‌های مصرفی در کالاها مستحیل می‌شوند یا شکل ارزش مبادله را به خود می‌گیرند. در نظم اجتماعی معاصر فرایند تحقق نیازهای انسانی مشروط به عبور از صافی فرهنگ مصرفی است. این فرایند به‌واسطه‌ی بازار تحقق می‌یابد. «عملاً هر چیزی در سرمایه‌داری، کالایی است که برای بازار تولید می‌شود» (سینزوود، ۱۳۹۵: ۱۱۷). بنابراین، در نظام سرمایه‌داری از خلال کالایی‌سازی نیازهای انسانی، کالاها نه به‌منظور برآوردن نیازها بلکه برای تحصیل سود تولید می‌شوند. به همین دلیل است که «سرمایه طبق منطبق سود به جای جنگل، درخت و به جای درخت میلیاردها متر مکعب الوار را می‌بیند» (فاستر، ۱۳۸۷: ۶۶). می‌توان همین منطق را تعمیم داد و ادعا کرد که سرمایه به‌جای حیوانات گوشت، چرم، پشم و ... را می‌بیند. هنگامی که ارزش‌های مصرفی عموماً به صورت کالا در می‌آیند، عینیت و شیئیت جدیدی کسب می‌کنند که شیئیت ویژه و آغازین آن‌ها را در هم می‌شکند و محو می‌سازد. این شیئیت جدید در دوره‌ی مبادله‌ی تصادفی وجود نداشت. به این ترتیب، کالایی‌شدن طبیعت، به معنی رواج عمومی بهره‌برداری سودمحورانه از آن، بدون توجه به محدودیت‌ها و ظرفیت‌های آن، است. در واکنش به همین کالایی‌شدن طبیعت است که جنبش‌های زیست‌محیطی شکل گرفته‌اند. اما باید پرسید که آیا که فعالیت و خط‌مشی این جنبش‌ها ساختارهای تخریب‌گر طبیعت را به چالش می‌کشند یا در حد موضع‌گیرهای اخلاقی در رابطه با زیست‌بوم باقی می‌مانند.

افول انواع کلان‌روایت‌های هژمون مدرن از دهه ۱۹۷۰ به بعد در اداره‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی شهروندان عموماً با ظهور جنبش‌های پست‌مدرن هم‌زمان بود. «پست‌مدرنیسم به مفاهیم حقیقت، عقل، هویت، عینیت، پیشرفت یا رهایی همگانی، چارچوب‌های منفرد و کلان‌روایت‌ها یا همان

1. social metabolism

2. universal metabolism of nature

3. commodification

بنیان‌های تبیین بدگمان است و جهان را تصادفی، بی‌بنیاد، ناپایدار، نامعلوم و مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها یا تفسیرهای مجزا می‌داند که موجب تردید در عینیت حقیقت، تاریخ و معیارها، معین‌بودن ماهیت‌ها و انسجام هویت‌ها می‌شود» (ایگلتون، ۱۳۹۱: ۱۷). ترجمان سیاست خرد پست‌مدرنیستی در سطح عملی همانا انجام اقدامات محلی توسط جنبش‌های زیست‌محیطی است که بدین معناست «این جنبش‌ها نمی‌توانند بر معضل کانونی وضعیت فعلی انگشت بگذارند و با پیش‌فرض انگاشتن عدم وجود کلیت و مرکزیت به دام کیش حاشیه‌گرایی می‌افتند» (ایگلتون، ۱۳۹۶: ۳۲). از این دید، انجمن‌های زیست‌محیطی حتی اگر در مقام منتقدان وضعیت اجتماعی ظاهر می‌شوند عملاً نقشی تکمیلی و یا تسهیل‌گرانه‌ی مناسبات نئولیبرالی را ایفا می‌کنند. آرواندتی روی<sup>۱</sup> کنش‌ورزی در چارچوب ان‌جی‌او را «ان‌جی‌اوئیزه کردن مقاومت» می‌نامد که در نهایت به «ان‌جی‌اوئیزه کردن امر سیاسی» ختم می‌شود. در این معنا سرمایه برنامه‌ی کاری‌ای تعیین می‌کند که به موجب آن «تقابل» به «مذاکره» بدل گشته و از مقاومت «سیاست‌زدایی» می‌شود (روی، ۲۰۱۴).

موضع کلی جنبش‌های زیست‌محیطی آن است که «بحران زیست‌محیطی سرانجام دامن هر کسی را در کره‌ی زمین خواهد گرفت و قدرت جنبش سبز در جهان از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد» (دابسون، ۱۳۷۷: ۲۳۲). اما از نظر منتقدان، بسیاری از برنامه‌های سبز بعضاً خسارت‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست وارد کرده‌اند. ما هنگام بروز مشکلات زیست‌محیطی، عوض تجدیدنظر در کل سیستم، دنبال نوش‌دارو و فناوری‌هایی مثل کشت‌سوخت‌ها که حلال مشکلاتمان باشند، می‌گردیم. برای نمونه پس از این‌که مشخص شد مواد شیمیایی به‌کاررفته در یخچال‌ها و دستگاه‌های تهویه و عایق‌های فومی موجب نازک‌شدن لایه‌ی اوزون می‌شوند، در دهه‌ی نود هیدروفلورکربن‌ها به‌عنوان جای‌گزینی برای مواد قبلی وارد بازار شدند. استفاده از HFCها به ترمیم لایه‌ی اوزون کمک کرد، ولی بعداً معلوم شد که این مواد چهار هزار برابر بیش‌تر از دی‌اکسیدکربن خاصیت گل‌خانه‌ای دارند و به شدت باعث گرم‌شدن زمین می‌شوند. برآورد شده که تجمع HFCهای نشت‌کرده از یخچال‌ها و دستگاه‌های تهویه‌ی اسقاطی در جو زمین تا سال ۲۰۵۰ به میزانی معادل شش سال تولید دی‌اکسیدکربن برسد. درختان جنگل استوایی قطع می‌شوند که به جای‌شان درخت پالم روغنی کاشته می‌شود تا روغن لازم در تولید زیست‌سوخت‌ها (و در کنارش تولید روغن‌های آشپزی و لوازم آرایش) را تأمین کند. این کار باعث نقل مکان بومی‌های منطقه شده، و در نهایت، به دلیل سوزاندن درخت‌ها و برهم‌زدن تعادل خاک منطقه، به تولید انبوهی از دی‌اکسیدکربن نیز منجر می‌شود. از بین‌بردن جنگل‌ها و تولیدشان به مکانی برای تولید روغن پالم برای زیست‌سوخت‌های «سبز» در نهایت موجب افزایش آلاینده‌های کربنی خواهد شد، حتی با گذشت زمان نسبتاً طولانی. برآورد شده که برای جبران

<sup>۱</sup> - Arundhati Roy

کربنی که موقع آماده‌سازی و کاشت درخت‌های پالم روغنی تولید می‌شود، باید چهارصد سال از این درخت‌ها سوخت تولید کنیم (مگداف و فاستر: ۱۳۹۹).

### فرهنگ و زیست‌محیط در پژوهش‌های پیشین

پیشینه‌ی پژوهشی تحقیق حاضر را می‌توان در دو سطح بررسی کرد. سطح اول شامل تحقیقاتی می‌شود که به بررسی اجتماعی ریشه‌های «بحران‌های زیست‌محیطی» پرداخته‌اند و دوم، پژوهش‌هایی که «سیاست‌های سبز در انجمن‌های زیست‌محیطی» را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این بخش از میان پژوهش‌های مشابه تنها به دو مورد از تحقیقات مشابه داخلی و یک نمونه خارجی اشاره می‌شود. انور محمدی و قاسم زائری (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان *تحلیل گفتمان فرهنگ زیست‌محیطی در ایران*، مسئله‌ی تخریب محیط‌زیست و جنبش‌های زیست‌محیطی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه گفتمان‌های حاکم بر عرصه‌ی سیاست‌های زیست‌محیطی، یعنی گفتمان توسعه‌گرایی، به عنوان گفتمان حاکم تمامی دولت‌های بعد از انقلاب و علت بنیادی تباهی محیط‌زیست در ایران معرفی شده و در مقابل آن گفتمان محیط‌زیست‌گرایی به مثابه‌ی گفتمان مقاومت در برابر تخریب محیط‌زیست در نظر گرفته شده است. محمد مالجو (۲۰۱۴) در پژوهشی تجربی با عنوان *کالای‌سازی طبیعت در دولت یازدهم* با تمرکز بر سومین حلقه از حلقه‌های هفت‌گانه‌ی زنجیره‌ی سرمایه در ایران و با تکیه بر لوائح قانونی و آیین‌نامه‌های مصوب تلاش کرده تا نشان دهد طی دوره‌ی یازدهم چگونه ظرفیت‌های محیط‌زیست از ره‌گذر استمرار کالای‌سازی طبیعت در خدمت فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و بخش عمومی قرار خواهد گرفت. مالجو نخست در سطح تحلیل تجربیدی به بررسی نظری و مفهومی کالای‌سازی طبیعت می‌پردازد و سپس در سطح انضمامی بحران زیست‌محیطی در ایران را نتیجه‌ی کالای‌سازی طبیعت به منظور تحقق پروژه‌ی توسعه‌ی اقتصادی می‌داند.

جان بلامی فاستر در تحقیقی با عنوان *وضعیت اورژانسی سیاره، ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰* معتقد است که سرمایه‌داری مرحله‌ی رقابتی را پشت سر نهاده و به مرحله‌ی انحصاری پا گذاشته است. بنابراین، ما شاهد اشکال نوینی از تخریب محیط‌زیست هستیم. طوری که سرمایه‌داری انحصاری با توجه به تمرکز بیش از حد در حوزه‌ی فروش انبوهی از ضایعات تولیدی را به بار آورده است. به زعم فاستر اگرچه در سرمایه‌داری رقابتی نیز تولید ضایعات امری مرسوم بود اما در سرمایه‌داری انحصاری با ایجاد بازارهای جدید این امر شتابی فزاینده به خود گرفته است. او بیان می‌کند که سرمایه‌داری در مرحله‌ی انحصاری خود با سطح بالایی از بهره‌وری نیروی کار به دلیل اشباع بازارها و کمبود مجراهای سودآور برای سرمایه‌گذاری تولیدی، به طور مداوم مستعد انباشت بیش از حد و متقابلاً رکود اقتصادی است. از این‌رو [سرمایه‌داری انحصاری] به منظور ادامه‌ی حیات و کسب حاشیه سود انحصاری خود تحت این شرایط

به یک اقتصاد متکی بر ضایعات داخلی هم از جنبه‌ی اقتصادی و هم از جنبه‌ی اکولوژیکی بدل شده است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با اتکا به روش‌شناسی کیفی و مشخصاً روش خوانش نشانه‌گرایانه<sup>۱</sup> انجام شده است. در نشانه‌شناسی بر مطالعه‌ی حیات نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی و سرشت اختیاری آن‌ها تأکید می‌شود. نشانه از ترکیب دال و مدلول شکل می‌گیرد و رابطه بین آن دو قراردادی است. هر نشانه به میانجی تفاوتش با دیگر نشانه‌ها فهم می‌شود. البته سرشت قراردادی نشانه آن را از نظر اجتماعی خنثی یا از نظر مادی شفاف نمی‌سازد. به تعبیر اشتروس، «نشانه به‌طور پیشینی اختیاری است اما به‌طور پسینی چنین نیست. بعد از این‌که نشانه وجود تاریخی پیدا کرد، دیگر به‌طور اختیاری تغییر نمی‌کند» (چندلر، ۱۳۸۸: ۸۷). خوانش نشانه‌گرایانه مبتنی بر این فرض است هر متنی دارای یک وعده‌ی ارائه‌شده در قالب امر بیان‌شده و درعین حال متضمن تحقق آن وعده در ناخودآگاه متن است. لذا فهم متن همانا درک ناخودآگاه متن است. از این دید، برای بیان هر مطلبی، برخی مطالب دیگر باید ناگفته بمانند. کار منتقد ادبی تفحص درباره‌ی دلیل یا دلایل این غیاب‌ها و سکوت‌ها در متن است. آنچه در اثر اهمیت دارد، دقیقاً همین امر مسکوت است. در هر متنی یک «شکاف» یا «فاصله‌گذاری درونی» بین آنچه متن می‌خواهد بگوید و آنچه متن عملاً می‌گوید، وجود دارد. «برای تبیین متن، منتقد باید از این شکاف فراتر رود تا دریابد متن چه باید بگوید تا بتواند آنچه را می‌خواهد بگوید بیان کند. ضمیر ناخودآگاه متن در همین شکاف شکل می‌گیرد. نیز در ضمیر ناخودآگاه متن است که رابطه‌ی آن متن با اوضاع ایدئولوژیک و تاریخی موجودیتش آشکار می‌شود. گفت‌مان‌های ضد و نقیض، درون این شکاف را تهی کرده‌اند و در همین جاست که متن به تاریخ مرتبط می‌شود» (استوری، ۱۳۸۱: ۶). بدین‌سان از آن‌جا که متن حامل شکاف‌ها و تناقضات مشخصی است نمی‌توان آن را به‌مثابه‌ی وحدتی یک‌پارچه و منسجم در نظر گرفت، یعنی نمی‌توان در آن به دنبال پیام واحد یا نهایی گشت. «تولیدات و فرآورده‌های ادبی نباید از دیدگاه وحدت آن‌ها، که واهی، فریبنده و دروغین است، بلکه باید از دریچه ناهمخوانی و تفاوت مادی میان آن‌ها، مورد بررسی قرار گیرند. شخص نباید به تأثیرات و جلوه‌های وحدت‌بخش نظر کند، بلکه باید متوجه تضادهایی باشد که آن‌ها را به وجود آورده و به‌مثابه‌ی تفاوت‌هایی که به‌طور نابرابر و غیرمنصانه‌ای فیصله یافته، در متن به نظر می‌رسند (ماشری و بالیبار<sup>۲</sup>، ۱۳۹۸: ۴۶۹).

میدان مطالعه‌ی پژوهش حاضر انجمن‌های زیست‌محیطی در استان کردستان و به‌طور مشخص انجمن سبز چیا در شهر میوان است. داده‌ها در دو سطح گردآوری می‌شوند: نخست مطالعه‌ی اسناد

<sup>۱</sup> - symptomatic reading

<sup>۲</sup>.Balibar



و متونی که توسط انجمن تولید شده است، مانند نشریه‌ی انجمن، مصاحبه‌های رسمی اعضا با سایر مطبوعات، سخنرانی‌های عمومی، نامه‌نگاری به نهادهای رسمی و درخواست‌های رسمی از مقامات دولتی (تحلیل اسناد). در سطح دوم، مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت‌یافته به کار گرفته می‌شود که در شکل ژرف آن می‌تواند به معانی و تفسیرهای مورد نظر کنشگران اجتماعی، و تعبیر آن‌ها از تعامل‌های اجتماعی خودشان، نزدیک شود (بلیکی، ۱۳۹۵: ۳۰۴). نمونه‌گیری، چه از متون و چه از افراد، به شیوه‌ای هدفمند انجام می‌شود. داده‌هایی که بدین طریق گردآوری می‌شوند مستلزم دستکاری‌هایی هستند تا به شکل و شمایی درآیند که مناسب تحلیل باشد. برای این کار که به آن فنون تقلیل داده‌ها می‌گویند از روش پروراندن مضامین استفاده خواهد شد. بدین ترتیب که محوری‌ترین مضامینی که مبنای سیاست‌ها، عملکردها و گفتارهای انجمن سبز چیا است از داده‌های گردآوری شده استخراج خواهد شد. سپس این مضامین استخراج شده با استفاده از تحلیل تماتیک طبقه‌بندی می‌شوند. این مضامین طبقه‌بندی شده به روش خوانش نشانه‌گرایانه تحلیل خواند شد.

### تحلیل یافته‌ها

در این بخش نخست نشانه‌های موجود در اسناد منتشره از سوی انجمن سبز چیا که شامل ۹۸ شماره در قالب ماه‌نامه و دوهفته‌نامه و هم‌چنین محتوای تولیدشده در کانال تلگرامی و سپس تم‌های استخراج شده در طی مصاحبه با اعضای انجمن بر اساس روش‌های اجرایی یا پراتیک‌های انجمن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### فرهنگی کردن امر سیاسی

چیا علت اصلی بحران‌های زیست‌محیطی را کنش‌های مخرب انسان‌های ناآگاه می‌داند، یعنی اگر کنش‌گران آگاهی زیست‌محیطی داشته باشند دست به تخریب محیط‌زیست نمی‌زنند. این انجمن دقیقاً با اتکا به همین استدلال رسالت اصلی خود را آموزش شهروندان در راستای ارتقای آگاهی آنان می‌داند، تا ی‌دسن طریق فرهنگی زیست‌محیطی شکل بگیرد و ساختارهای اجتماعی در راستای صیانت از محیط‌زیست دگرگون شوند:

«ناآگاهی انسان بزرگ‌ترین بلای خود او و طبیعت است. پس فرهنگ‌سازی، آموزش و ارتقای سطح آگاهی مردم بهترین راه ممکن جهت رهایی از بحران‌های محیط‌زیستی است. این تفکرات اعضای یک جامعه است که ساختارهای آن را می‌سازند. پس تغییر ساختارها نیازمند تغییر تفکرات افراد جامعه است. از این رو چیا در راستای آگاهی‌بخشی به شهروندان دوره‌هایی را در زمینه‌ی تعامل با محیط‌زیست در انجمن، مدارس، مساجد و غیره برگزار می‌کند» (قادری: ۱۳۹۵).

تأکید یک‌سویه این نگرش بر این مفروضه که انسان‌ها ساختارها را می‌سازند به نادیده‌گرفتن مناسبات پیچیده اجتماعی و سازوکارهای سلطه و در نهایت تأیید رابطه‌ی مکانیکی میان عاملیت و ساختار

می‌انجامد. اگر این واقعیت که جامعه چیزی ورای آگاهی و کنش انسان‌ها است مغفول واقع شود عملاً به‌مانند این است که انکار کنیم «خود نهادهای جامعه مدنی، یعنی خانواده و گروه‌ها و طبقات اجتماعی و غیره مطابق با مراحل مشخصی از تکامل در تولید، تجارت و مصرف شکل خواهند گرفت» (مارکس، ۱۳۸۰: ۶۴). بی‌جهت نیست که انجمن چیا، با اتکا بر همین نگرش، و درست به‌مانند دیگر انجمن‌های زیست‌محیطی، بر مکانیسمی به اسم فرهنگ‌سازی تأکید می‌کند. بدین معنا که اگر فرهنگ مردم در مواجهه با محیط زیست اصلاح شود، صیانت از آن نیز محقق خواهد شد. اما اگر این واقعیت را مدنظر قرار دهیم که در شکل‌دهی به فرهنگی معمولی مردم مناسبات سرمایه و نهادهای دولتی نقشی کلیدی ایفا می‌کنند، آن‌گاه تناقض نهفته در این رویکرد هویدا خواهد شد. فرهنگ صرفاً دقیقه‌ای از آموزش ایدئولوژیک و شکل‌دهی توده‌های مردمی یا سوژه‌های نظم سرمایه‌دارانه است. تخریب محیط زیست در یک نگاه کل‌نگر، پیامد سیطره مناسبات سرمایه بر کنش‌های بشری است و فرهنگ در این دوران به چیزی در حد آن‌چه آلتوسر اسم‌اش را «دانش فنی انجام کار» می‌نامد تنزل پیدا کرده است. مهم‌تر از این، «فرهنگ‌سازی در شکل‌کنونی مشکلات عاجل فقر و بی‌کاری، نابودی تمامی شبکه‌های تأمین اجتماعی، خصوصی‌سازی به سبک باندبازی و ائتلاف منابع طبیعی و همچنین کنترل سیاست توسط سرمایه‌داران بزرگ در پشت صحنه فرهنگ عامه یا چندفرهنگ‌باوری را لاپوشانی می‌کند و در طبیعی‌سازی تضادهای اجتماعی معاصر نقشی کلیدی دارد» (گرلجا و وسیک، ۲۰۰۷).

### اخلاق‌گرایی داوطلبانه

«خود ما هم در مصرف آب باید هوشیار باشیم تا منابع آب شیرین را آلوده نکرده و آن را اسراف نکرده باشیم. هنگام حمام‌کردن، مسواک‌زدن، ماشین‌شستن و تمیزکردن حیاط خانه و کوچه مراقب باشیم تا آب، این ماده‌ی گران‌بها را از دست ندهیم، مثلاً به جای آب، با جارو حیاط و کوچه را تمیز کنیم و به بزرگ‌ترها هم بگوییم که نباید آب را هدر بدهند» (امینی: ۱۳۹۶).

تأکید چیا بر اقدامات فردی برای حفاظت از زیست‌بوم دال بر تصویری فردانگارانه از جامعه است، طوری که اگر هر کس به نوبه‌ی خود موازین اخلاقی را در باب محیط‌زیست رعایت کند آن‌گاه می‌توان شاهد محیط‌زیست به‌نسبت سالم‌تری برای جامعه بود. چیا پیشنهاد می‌کند که با اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات، آب شرب کم‌تری مصرف کنیم. همین تأکید بر اقدامات شخصی منجر به نادیده‌گرفتن سیاست‌های غیرشخصی از جانب دولت، یعنی کالایی‌سازی آب می‌شود. توصیه به کاهش مصرف آب شرب در حالی است که در کشور ایران سهم مصرف آب در بخش کشاورزی در حدود ۹۰ درصد، شرب ۸ درصد و صنعت و معدن ۲ درصد است (خبرگزاری ایرنا: ۱۳۹۹). بر این اساس با فرض این که مصرف آب شرب به بیش از نصف آن کاهش یابد، باز هم معضل آب در حوزه‌ی کشاورزی به قوت خود باقی می‌ماند. علاوه بر این تمرکز چیا تنها بر مصرف مقدار آبی است که قابل مشاهده است. به عبارتی قسمت اعظم آبی که در زندگی روزانه‌ی خود مصرف می‌کنیم از دیده‌ی ما پنهان است. به عنوان نمونه

برای تولید هر برگه A4 یک لیتر آب، برای تولید هر کفش چرم ۸۱۱ لیتر و برای تولید یک شلوار جین هزار لیتر آب مصرف می‌شود که اصطلاحاً به این پدیده آب‌های پنهان می‌گویند (عرفانی: ۱۳۹۶).

«ویژگی‌نامه‌ی آموزش زیست‌محیطی مختص به مدارس که توسط کمیته‌ی آموزش انجمن چیا مهیا شده شامل کارهای ساده‌ای است که یک کودک در مواجهه با مصرف انرژی می‌تواند انجام دهد مثل خاموش کردن لامپ اضافی، استفاده از سبد به جای کیسه‌ی نایلونی، شناخت انواع زباله و انداختن آن‌ها در سطل و... این موضوعات همراه با تأکید بر مهربانی با جانوران از اهم سرفصل‌های آموزشی به کودکان ابتدایی می‌باشد» (فتحی: ۱۳۹۶).

توصیه‌ی اخلاقی مبنی بر ساده‌زیستی داوطلبانه با تناقضات دیگری روبه‌رو است اعم از این که چه کسی باید کم‌تر مصرف کند؟ به هر تقدیر، در جامعه‌ی سرمایه‌داری آب نیز وارد گردونه‌ی کالایی‌سازی شده و در هیأت کالایه با افراد جامعه عرضه می‌شود. کسانی توانایی دارند استخر خانگی بسازند و کسانی هم از دسترسی به آب لوله‌کشی محروم‌اند. به عنوان نمونه مصرف آب روزانه در استخرهای خانگی باغ ویلاها در منطقه‌ی گورکات در شهرستان تنگستان از توابع استان بوشهر چیزی بیش از ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر مکعب است در حالی که روستاهای مجاور مصرف روزانه‌شان ۶۰ تا ۷۰ متر مکعب است (مشرق نیوز: ۱۳۹۸).

### روانشناسانه‌کردن رخداد‌های جمعی

«برخی از سودجویان روستایی و برخی از شهرنشینان، با حضور در جنگل‌های بلوط اقدام به قطع درختان و گذاشتن آن‌ها در چاله‌های زغال‌گیری کرده و با آتش‌زدن بر سرمایه‌ی بلوطستان، از این ره‌گذر برای زاگرس ردپای می‌گذارند. زغال‌گیری از درختان بلوط یکی دیگر از فاجعه‌های نابودی در جنگل‌های مریوان است که این روزها نه از روی تأمین سوخت مورد نیاز زندگی روزمره، بلکه از روی ندانم‌کاری و طمع‌کاری برای نیل به اهداف مادی دست به چنین اشتباهی می‌زنند» (کمیته‌ی آموزش انجمن سبز چیا: ۱۳۹۶).

چیا در پاسخ به این معضل اقدام به راه‌اندازی کمپین زاگرسانه کرده که طی آن افراد نهال و بذر درخت بلوط را عمدتاً در مناطق آسیب‌دیده می‌کارند. سوزاندن جنگل‌ها به‌منظور گسترش مساحت کشاورزی از جانب مالکان و ساختن ویلاها عوامل دیگری هستند که سبب تخریب جنگل‌های مریوان می‌شود. در شرایطی که جنگل‌زدایی امروزه در سطح جهانی یکی از مهم‌ترین معضلات زیست‌محیطی است<sup>۱</sup>، نمی‌توان علت آن را صرفاً خصایص شخصیتی (طمع‌کار، ندانم‌کار، متجاوز و ...) افرادی در نظر

۱. برای نمونه، جنگ‌های استوایی جنوب شرقی آسیا، جنگل‌های آمازون و آفریقای مرکزی، مراکز عمده‌ی قاچاق الوار و چوب هستند و در کنار صید غیرقانونی ماهی و استفاده‌های غیرقانونی از معادن، قطع غیرقانونی درختان هم از عواملی است که بر منابع درآمدی دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه اثرات منفی می‌گذارد. الواری که به صورت غیرقانونی در اقتصاد جهان مبادله می‌شود معدل ۱۰ تا ۳۰ درصد از کل مبادلات شامل الوار در اقتصاد جهانی است (سیف، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

گرفت که دست به این عمل می‌زنند. این نگرش روان‌شناسانه به مسئله، ریشه‌های کلان‌تر و بنیادی‌تر اجتماعی این معضل را پنهان می‌کند. از آن‌جا که اکثر مردم شهرستان مریوان با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند ناگزیر به سوختن درختان بلوط روی می‌آورند تا از فروش آن به شکل زغال ارتزاق کنند، البته در این میان سر و کله‌ی مافیاهایی هم پیدا می‌شود که از این طریق به سودهای کلانی دست می‌یابند. اما این پدیده فقط مختص به مریوان یا ایران نیست بلکه دارای ابعادی جهانی است. برای نمونه، در سومالی، ارزش متوسط زغال به‌طور غیرقانونی تولیدشده بین ۳۶۰ تا ۳۸۴ میلیون دلار در سال متغیر است (سیف، ۱۳۹۹: ۱۴۶). از طرف دیگر، تحت سیطره‌ی اقتصاد رقابتی سرمایه‌داری، بالارفتن قیمت زمین‌های کشاورزی زمین‌داران را مجبور می‌کند برای گسترش املاک خود مراتع مجاور را بسوزانند تا از این رقابت جان سالم به‌دربرند.

«تخریب جنگل‌ها برای ویلاسازی و اضافه نمودن آن‌ها به زمین‌های کشاورزی اطرافشان بس نبود، نمایندگان ملت! در کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی در مجلس، با ارائه‌ی مصوبه‌ای تحت عنوان قانون حفظ اراضی کشور آستین همت بالا زده‌اند تا با راه‌های به کارگیری ظاهراً قانونی دیگری، دامنه‌ی تغییر کاربری و سوءاستفاده‌ی متصرفان و متجاوزان در عرصه‌های طبیعی و ملی را گسترش دهند و با این مصوبه به متجاوزان عرصه‌های طبیعی و ملی لوح سپاس به خاطر تجاوزشان به جنگل‌ها داده خواهد شد» (رشیدی: ۱۳۹۴).

دهقانان بدون زمین و شرکت‌ها با سوزاندن جنگل‌ها و قطع درختان در کنار هم می‌توانند منابع جنگلی را در سطح وسیع و در مدت کوتاهی نابود کنند، همان‌گونه که در برزیل، اندونزی، و چند کشور آفریقایی روی داد. این‌که در اوج بحران مالی ۸-۱۹۹۷ در اندونزی آتش‌سوزی‌های جنگلی در سوماترا رخ داد امری اتفاقی نبود (هاروی، ۱۳۹۵: ۲۴۴ و ۲۴۵). روی‌هم‌رفته، بی‌کاری فزاینده در نتیجه‌ی سیاست‌های نئولیبرالی و مالکیت خصوصی بر زمین موجبات دلالتی و متعاقباً تخریب زمین‌های کشاورزی را در راستای کسب سود بیش‌تر فراهم می‌آورد. از این‌رو کمپین زاگروسانه که عاری از هرگونه پاسخ عملی به مشکلات معیشتی مردم است و نسبت به مسئله‌ی مالکیت خصوصی بر زمین اعتنایی ندارد، هم‌چون راه‌حلی سترون عرضه می‌شود.

### نادیده‌گرفتن تاریخ‌مندی بحران

«طی فعالیت‌های اعضای انجمن چیا و اطلاعات جمع‌آوری شده در تالاب زریبار، برداشت بی‌رویه‌ی آب‌های زیرزمینی از چاه‌های غیرمجاز در حوضه‌ی تالاب، ورود آفت‌کش‌ها، کودهای شیمیایی، چرای دام و ورود فضولات دامی و افزایش مواد مغذی در تالاب به عنوان عوامل تهدیدکننده مربوط به کشاورزی و دامداری هستند. ویلاها و خانه‌باغ‌سازی، باغداری و افزایش زمین‌های کشاورزی، ساخت‌وسازهای سازمان‌های دولتی از جمله عوامل تهدیدکننده مربوط به تغییر کاربری اراضی و تخریب زمین‌های اطراف هستند. سدسازی در خروجی تالاب، آتش‌سوزی‌های عمدی جنگل‌های اطراف تالاب، آتش‌زدن نیزارها، قطع نی‌ها، افزایش زباله،

شکار غیرمجاز پرندگان، ورود فاضلاب خانگی، معرفی ماهیان غیربومی، جاده‌سازی در حریم تالاب و توریسم کنترل نشده از عوامل تهدیدکننده مربوط به نقض قوانین بوم‌شناسی و عدم آگاهی عمومی هستند. با توجه به تهدیدهای شناسایی شده، مطالعات اساسی در مورد هر یک از این تهدیدها ضروری است: ۱. مطالعه جهت تخریب سد خاکی ساخته شده در محل سرریز آب تالاب ۲. خرید زمین‌های حاشیه‌ی تالاب توسط سازمان محیط زیست برای مدیریت مؤثرتر ۳. آموزش مردم محلی در مورد نحوه‌ی استفاده‌ی درست از منابع و سرزمین ۴. آشناکردن آن‌ها با مفهوم حفاظت از تالاب ۵. همراه کردن مردم در حفاظت از تالاب و تنوع زیستی آن. ۶. نظارت بر برداشت‌های آب زیرزمینی ۷. مسدود کردن چاه‌های غیرمجاز ۸. تغییر الگوی کشت در حوضه‌ی آبریز ۹. سازگار و به‌روز کردن مدیریت تالاب بر طبق پایش و اطلاعات جدید علمی ۱۰. برقراری تعادل بین حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی» (تیم تحقیقاتی- پژوهشی انجمن سبز چیا: ۱۳۹۴).

طبق گزارش چیا یکی از عواملی که موجبات تخریب زیربار را فراهم آورده الگوی نحوه‌ی کشت زمین‌های حاشیه‌ی این تالاب است. الگوی کشتی که باعث می‌شود کود، آفت‌کش‌ها، پسماند حیوانی و غیره به درون زیربار راه یابد. اما الگوی کشت را صاحبان زمین انتخاب نمی‌کنند بلکه این منطق سود است که تعیین می‌کند چه چیزی و چگونه کشت شود. در اقتصاد سرمایه‌داری، کشاورزی به کشاورزی سرمایه‌دارانه یا کشاورزی تجاری<sup>۱</sup> استحاله یافته است و استعمال کود در آن ناگزیر است. در این راستا پیرو صورت‌بندی جان بلامی فاستر در طول تاریخ شاهد سه انقلاب کشاورزی در سطح جهانی هستیم که استعمال کود شیمیایی جزء لاینفک هر کدام از آن‌ها را شکل می‌دهد. انقلاب نخست فرایندی تدریجی است که طی چندین سده انجام می‌پذیرد، و با حصارکشی‌ها و مرکزیت فزاینده‌ی بازار پیوند دارد؛ دگرگونی‌های فنی شامل بهبودهایی در کوددهی، کشت تناوبی، زه‌کشی و مدیریت چارپایان می‌شود. برعکس انقلاب کشاورزی دوم در دوره‌ی کوتاه‌تری (۱۸۸۰-۱۸۳۰) انجام پذیرفت و با رشد صنعت کود شیمیایی و پیشرفت شیمی خاک که به‌ویژه با کار یوستوس فون لیبیگ پیوند داشت مشخص می‌شد. انقلاب کشاورزی سوم باز هم بعدتر در سده‌ی بیستم انجام پذیرفت و به‌جای کشت حیوانی نیروی کشت ماشینی را در مزرعه نشانده و در پی آن تمرکز حیوانات در پرواربندی‌های بسیار بزرگ آمد که با دست‌کاری ژنتیکی در گیاهان (که تک‌کشت‌های محدودتری تولید می‌کند) و به‌کارگیری فشرده‌تر درون‌داده‌های شیمیایی-هم‌چون کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها همراه بود (فاستر، ۱۳۸۲: ۲۷۰ و ۲۷۱). لذا در تحلیل این واقعیت‌ها باید آن‌ها در متن تاریخ قرار داد.

1. agribusiness

2. monoculture

## تشکیل کمپین‌ها

چیا به‌منظور تحقق چشم‌انداز پنج ساله‌ی سرزمین بدون زباله، کمپین‌های مختلفی مثل روستاتکانی، فریاد زریبار و جمع‌آوری کتاب و کاغذ باطله را طی این سال‌ها به راه انداخته است. «در این چند سال اهالی روستاهای این منطقه در حرکتی جمعی و با مشارکت همگانی اعم از زن و مرد، پیر و جوان، محیط روستا را از زباله‌ها پاک کرده و با آماد نمودن فضای کلی روستا به پیش‌واز بهار می‌روند» (انجمن سبز چیا: ۱۳۹۴).

مسئله‌ی زباله، از زباله‌های هسته‌ای گرفته تا زباله‌های شهری، درمقام یکی از بحران‌های جدی زیست‌محیطی، معضلی ساختاری است، یعنی تولید زباله درون سازمان تولید اجتماعی تعبیه شده است. از این‌رو باید پرسید که شیوه برخورد انجمن‌های زیست‌محیطی با این معضل ساختاری چه اندازه مفید و راهگشا است. آیا در شرایط سیطره قواعد دولتی، این کمپین‌ها ناخواسته در نقش میانجی‌ای که خلأ موجود میان دولت و جامعه را می‌پوشاند ظاهر نمی‌شوند. با توجه به این‌که انجمن چیا غیر از کمپین جمع‌آوری زباله، کمپین‌های دیگری چون «زاگرسانه، سه‌شنبه‌های بدون دوچرخه، بازی حق همه‌ی کودکان است، حمایت از قربانیان مین» و غیره را نیز برگزار می‌کند، لذا لازم است نسبت بین تشکیل کمپین با ایدئولوژی در سطحی کلان‌تر مورد مذاقه قرار گیرد. واقعیت این است که مشارکت در کمپین‌ها برای سروسامان دادن به وضعیت بحرانی موجود احساس سوژگی خاصی به افراد می‌بخشد. از آن‌جا که «اصلی‌ترین کارکرد ایدئولوژی تبدیل افراد انضمامی به سوژه است» (آلتوسر، ۱۳۹۵: ۶۷)، لذا افرادی که در چارچوب فعالیت‌های کمپین‌ها مثلاً اقدام به خاموش کردن آتش یا جمع‌آوری زباله می‌کنند، کنش خود را مقاومتی واقعی در برابر تخریب طبیعت می‌پندارند. این سوژه‌ها هیچگاه از این‌که کنش آن‌ها ممکن است به‌واسطه ایدئولوژی خاصی هدایت شود آگاه نمی‌شوند، چراکه «یکی از جلوه‌های ایدئولوژی، طرد عملی خصلت ایدئولوژیک خود است: ایدئولوژی هرگز نمی‌گوید من ایدئولوژیک هستم» (همان: ۷۲). در کمپین فرد به‌عنوان موجودی آزاد مورد خطاب قرار می‌گیرد، اما نادانسته با پذیرش جایگاه سوژگی و انجام کنش‌های ازپیش‌تعبیه‌شده ایدئولوژی سیاست سبز را می‌پذیرد.

## اکوتوریسم

انجمن چیا اکوتوریسم را به‌منزله‌ی راه برون‌رفت از بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی در شهرستان مریوان معرفی می‌کند:

«مهم‌ترین پتانسیل این مناطق، مناظر بکر و جاذبه‌های منحصربه‌فرد طبیعی چون زریبار و مناطق هورامان می‌باشد که بحث گردش‌گری و توسعه‌ی گردش‌گری را می‌توان مهم‌ترین نسخه‌ی توسعه برای این مناطق ذکر کرد. ایجاد زیرساخت‌های لازم برای ورود گردش‌گران و ماندگارشیدن آنان می‌تواند در رفع معضل بیکاری و فقر مردمان این مناطق راه‌گشا باشد» (استوار: ۱۳۹۵).

تلاش برای توریستی کردن مریوان و این‌همانی آن با توسعه‌ی پایدار که از سوی چیا به‌مثابه‌ی بدیلی برای خلاصی از بحران‌های زیست‌محیطی معرفی می‌شود، همانا تلاش برای برپایی اجتماع‌های سبز از جانب سبزگرایان است. در حالی که تجربه‌ی چنین راهبردی در خود شهر مریوان نشان داده که راهبرد توریستی کردن مریوان به‌عنوان راه‌حلی پیشاپیش کالایی‌شده به‌راحتی تحلیل می‌رود. زیرا این راهبرد باعث کالایی شدن فرهنگ می‌شود، طوری که با توریستی شدن شهرستان مریوان فرهنگ بومی مردم به‌سان کالایی به توریست‌ها عرضه می‌شود. یک جامعه می‌تواند جنبه‌هایی از فرهنگ جمعی محلی خود را به هر توریستی که حاضر است مبلغی را برای آن بپردازد، بفروشد و از این طریق هر دو سوی مبادله به منافع مطلوب خود دست یابند. به این ترتیب، فرهنگ به کالایی برای مبادلات پولی تبدیل می‌شود (امینی و زیدی، ۱۳۹۴: ۱۷). از طرف دیگر فضاهای جغرافیایی هم‌چون زیربار، کوه ایمام و غیره مبدل به فضاهایی کالایی‌شده می‌شوند. از این‌رو، توریسم طبیعت را به‌عنوان کالایی لوکس به توریست‌ها عرضه می‌کند و این به‌نوبه‌ی خود منجر به کالایی شدن تجربه‌ی فرهنگی و بازتولید کالایی شدن طبیعت درون مناسبات پولی است. هم‌چنین در صورت تحقق این امر امکانات بیش‌تری در نقاط توریستی شهر متمرکز می‌گردد و کالایی شدن امکانات شهری تشدید می‌یابد، در نتیجه توریسم موجبات طبقاتی‌تر شدن شهر را فراهم می‌آورد. توریستی شدن مریوان باعث می‌شود مسافران زیادی از اقصی نقاط کشور و خارج از کشور به این شهرستان بیایند و این نیز به نوبه‌ی خود می‌تواند باعث آلودگی هوا، آلودگی صوتی و خسارات دیگری به مراکز توریستی در اثر مصرف مسافران به محیط زیست وارد آید.

جدول زیر خلاصه‌ای از اصلی‌ترین نشانه‌ها در اسناد بررسی‌شده انجمن چیا هستند که در رابطه با بحران زیست‌بوم مطرح شده‌اند.

#### جدول ۱: بررسی نشانگان اسناد نوشتاری چیا بر اساس قرانت نشانه‌گرایانه

نشانه	امر بیان‌شده	امر مسکوت
فرهنگ‌سازی	کسب فرهنگ زیست‌محیطی راه‌حل رهایی از بحران محیط‌زیست	بینش مکانیکی درباره‌ی رابطه‌ی عاملیت و ساختار، نگرش رفتارگرایانه، فرهنگی کردن امر سیاسی، فرهنگ به مثابه‌ی سواد نئولیبرالی برای تربیت سوزه تحت فرهنگ مسلط (دانش فنی انجام کار)
ساده‌زیستی	الگوی مصرف به‌هنجار	بازتولید سلطه: شخصی‌سازی مسئله‌ی اجتماعی

کاهش مشاعات: خصوصی‌سازی ثروت اجتماعی ذیل سیاست‌های نئولیبرالی	خصایص روان‌شناختی: عدم آگاهی، ندانم‌کاری و طمع‌کاری	زاگرس
کشاورزی سرمایه‌دارانه	الگوی کشت نامناسب	زریبار
طبقه‌زدایی از بحران زیست‌بوم: یک‌سان‌سازی نقش طبقات اجتماعی در تخریب زیست‌بوم	تخریب محیط‌زیست نتیجه‌ی افزایش جمعیت	جمعیت
امر واقع: خشونت سیستمی، حق برساخت ساختار اقتصادی-فرهنگی جامعه	واقعیت: خشونت کنش‌گرانه، حقوق طبیعی	خشونت
فراخوان ایدئولوژی	مقاومت راستین: اقدامی فوری برای حل بحران	کمپین
نئولیبرال: موانع‌زدایی از انباشت سرمایه	ناکارآمد	مدیریت
برابری حقوقی بدون برابری اجتماعی، مشروعیت‌بخشی به مالکیت خصوصی بر زمین، توجیه مداخلات امپریالیستی، تنزل امر سیاسی به امری اخلاقی	ضامن توسعه‌ی پایدار زیست‌محیطی، مشروعیت‌بخشی به تنوع فرهنگی	حقوق بشر
ضد سرمایه‌داری رمانتیک، بت‌واره‌کردن طبیعت گذشته، دورزدن تناقضات مدرنیته	الگوبرداری از پیشینیان به مثابه‌ی حافظان محیط‌زیست	نوستالژی
ادغام در نظم حاکم، کالایی‌شدن تجربه‌ی فرهنگی، کالایی‌شدن طبیعت	بدیل: کاهش فقر و بی‌کاری، راه‌حل بحران‌های زیست‌محیطی	اکوتوریسم

اکنون به بخش دوم تحلیل، یعنی تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با اعضای این انجمن می‌پردازیم. ویژگی‌های زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان در جدول زیر آمده است.



جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	سن	شغل	تحصیلات
۱	مرد	۶۰	کشاورز	دیپلم
۲	مرد	۴۳	کارمند	لیسانس
۳	مرد	۳۶	مغازه‌دار	فوق‌لیسانس
۴	مرد	۲۰	آزاد	دیپلم
۵	مرد	۴۰	آزاد	دیپلم
۶	مرد	۴۴	معلم	فوق‌لیسانس
۷	مرد	۳۹	دفتربیمه	لیسانس
۸	مرد	۴۵	صاحب‌رستوران	لیسانس
۹	مرد	۳۰	سوپرمارکت	لیسانس
۱۰	زن	۲۴	دانشجو	لیسانس
۱۱	زن	۲۳	دانشجو	لیسانس
۱۲	مرد	۲۸	دانشجو	فوق‌لیسانس
۱۳	زن	۲۶	دانشجو	لیسانس
۱۴	زن	۲۷	معلم	لیسانس
۱۵	مرد	۲۹	راننده	فوق‌لیسانس

## مضامین اصلی سیاست سبز چیا

در بخش تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به‌میانجی تکنیک مصاحبه، از تحلیل مضمونی استفاده شده است، یعنی از رویه مفهومیابی و شناسایی تم‌های محوری با هدف کشف این مهم که داده‌ها چه

می‌گویند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶). بر این اساس، عمده‌ترین مقولات مرتبط با سیاست سبز که از دل مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند به ترتیب زیر هستند:

### جدول ۳: مضامین محوری سیاست سبز چیا

نشانه‌ها	پیامدها	زمینه‌ها و مکانیزم‌های شکل‌گیری سیاست سبز	مقولات سیاست سبز در انجمن سبز چیا
نامیدی از دخالت مؤثر ارگان‌های دولتی ذی‌ربط	تأکید بر فرد متخلف و نادیده‌انگاشتن علل و پیامدهای اجتماعی جرم، بُت‌وارگی حقوقی	مجازات‌نشدن افرادی که اقدام به تخریب محیط‌زیست می‌کنند	قانون‌گرایی
معرفی زیربار و زاگرس به عنوان ایماژهای هویتی، تغییر نام کمپین جنگلانه به زاگرسانه	واکنشی رمانتیک نسبت به وضعیت مخاطره‌آمیز مدرنیته: جست و جوی سوژه‌ی پایدار نژادی در مدرنیته‌ی متزلزل، تقلیل بحران‌های زیست‌محیطی به مسئله‌ای نژادی	تبعیض قومیتی، تخریب جنگل‌ها در نتیجه‌ی مانور نظامی، بی‌اعتمادی به ارگان‌های دولتی	هویت‌طلبی
فاکت محوری: تأکید بیش از حد بر آمار و ارقام در رابطه با بحران‌های زیست‌محیطی؛ مواجهه‌ی نظری بلاواسطه یا بدون میانجی‌نظریه‌ی اجتماعی با مسئله‌ی محیط‌زیست	تأکید بر جنبه‌های فنی و مدیریتی مسائل زیست‌محیطی و نادیده‌انگاشتن کلیت روابط اجتماعی	بینش جزئی‌نگرانه به مسئله‌ی محیط‌زیست	پوزیتیویسم

«با ادارات دولتی، مثلاً، منابع طبیعی جلساتی داشتیم، ولی خیلی واضح می‌گم که به ما دروغ گفتن، به سری وعده‌ی دروغ دادن، همین! ما بهشون گفتیم که فقط شکایت از افراد متخلف یا پرونده‌سازی کافی نیست، باید پیگیری‌های بیشتری انجام بشه، مثلاً من به عنوان یک

شخص از یک نفر شکایت می‌کنم اگر این فرد مشخص بعد از دو سال نفرت زندان من میرم دادگاه پیگیری میکنم بینم چرا نگرفتنش، نتیجه‌ی دادگاهش چی شد؟» (مرد، ۳۶).

این جملات بخشی از روایت عضو هیئت مدیره‌ی چیا است که به نحوی از انحا در گفته‌های تمامی افراد مصاحبه‌شونده تکرار می‌شد. بنا بر این گفته‌ها سخت‌گیری دولت در زمینه‌ی تخلفات زیست‌محیطی هم‌چون آتش‌زدن جنگل‌ها یا مراتع به منظور افزایش زمین‌های کشاورزی می‌تواند مؤثر واقع شود اما بالعکس دولت با این افراد خاطی مدارا می‌کند و به این ترتیب ما شاهد افزایش خراب‌کاری‌های از سوی این افراد هستیم. جان‌کلام چیا این است که این افراد طبق قانون حق ندارند جنگل‌های بومی یا زیربار را تخریب کنند، در واقع آنان به عملی غیرقانونی دست می‌زنند و دولت در این میان طبق قانون با آن‌ها برخورد نمی‌کند. در این میان، چیا تلاش می‌کند به عنوان اهرم فشاری برای ارگان‌های دولتی باشد تا به وظایف قانونی خود عمل کنند. در حالی که مواجهه‌ی قانون با افراد در مقام سوژه‌های حقوقی یا به بیان دقیق‌تر برخورد با افراد متخلف<sup>[۱]</sup> طبق قانون، تقلیل مسئله‌ی اجتماعی به یک مسئله‌ی روان‌شناختی-حقوقی است طوری که در این حالت صرفاً بر شخص تمرکز می‌شود و علل اجتماعی جرم و پیامدهای اجتماعی آن نادیده گرفته می‌شود.

«کمپین زاگرسانه در سال ۹۹ با همکاری ۵۰ ان.جی.او (ان.جی.اوی زیست محیطی پاوه، سقز، سبزاندیشان مهاباد، کرمانشاه، ایلام، پیرانشهر، لرستان، قروه، بیجار و ... با کاشتن بلوط و بادام) برگزار شده» (مرد، ۴۰).

به این ترتیب چیا در همکاری با سایر ان.جی.اوها گفتمان زاگرس‌نشینان را شکل داده تا هم‌چون سپری دفاعی در مقابل تعرضات فرهنگی از جانب گفتمان فرادست عمل کند و در نتیجه هویت و اصالت زاگرس از آسیب مصون بماند. به تعبیر استوارت هال، منطق گفتارهای ما در باب هویت «مبتنی است بر وجود از پیش مفروض سوژه‌ای پایدار»، که به ما در این جهان ناپایدار نوعی حس امنیت و تداوم، یک جور «تضمین بنیادی»، می‌بخشد (Hall: 1991 در دان، ۱۳۹۳: ۴۸ و ۴۹). هال، هم‌چنین، پیش‌فرض‌های مبتنی بر وجود خویشتنی «حقیقی» یا «اصیل» درباره‌ی هویت را به منزله‌ی یکی از سرچشمه‌های ثبات و یقین می‌پندارد. هویت از آن حیث که بنیان و دلیل غایی هستی ما و شهود پایه‌ای ما از تصور مکان در جهان است، هرگاه به نظر می‌رسد جهان در آستانه‌ی از هم پاشیدن است نیرویی قاطع و تعیین‌کننده می‌یابد.

نگاه اعضای انجمن به بحران‌های محیط‌زیست در مریوان تنها معطوف به جنبه‌های فنی مسئله بوده به عبارتی دیدگاهی جزئی‌نگر به مسئله‌ی زیست‌بوم دارند و هیچ اشاره‌ای به سطح کلان یا به زبان جامعه‌شناسی روابط اجتماعی نمی‌کنند. از این‌رو تأکید بر جزء و نادیده‌انگاشتن کلیت اجتماعی موجب شده راه‌حل‌های پیشنهادی‌شان نیز از این محدوده عدول نکنند.

«در سریع‌ترین زمان ممکن سد رو تخریب کنن تا زیربار به وضعیت قبلیش برگرده، مرز زیربار رو مشخص کنن تا جلوی آبشویی مزارع رو بگیره، لای‌روبی زیربار رو انجام بدن، ، با

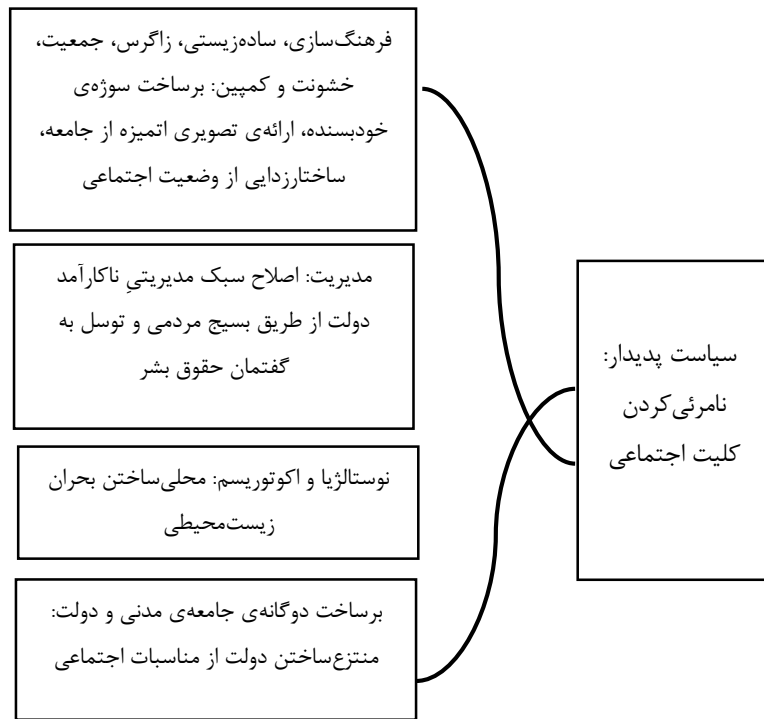
برداشت رسوبات زیربار میتوان ۲۰ سال شغل ۱۰هزار نفر و تأمین کرد، می‌توان ۴۲۰۰ میلیارد تومن درآمد کسب کرد، این یعنی شکوفایی اقتصادی منطقه» (مرد، ۶۰).

اگرچه بدون توسل به علوم طبیعی نمی‌توان به وجود بحران‌های زیست‌محیطی هم‌چون افزایش دمای کره‌ی زمین، نازک‌شدن لایه‌ی اوزون و نظایر آن پی‌برد اما بدون پیوند مسائل مذکور با مناسبات اجتماعی، حاصل کار اتخاذ نوعی روی‌کرد پوزیتیویستی به مسائل اجتماعی است. مارکس در این رابطه بیان می‌کند علوم طبیعی با کوشش و فعالیتی عظیم، انبوهی مواد و مصالح روبه‌رشد را گردآوری کرده است اما فلسفه نسبت به آن‌ها بیگانه مانده است، همان‌طور که آن‌ها نسبت به فلسفه بیگانه مانده‌اند. وحدت لحظه‌ای آن‌ها صرفاً توهمی خیالی بود... علوم طبیعی از طریق صنعت، در زندگی انسان دخالت کرده و آن را به لحاظ عملی دگرگون ساخته و شرایط رهایی انسان را فراهم آورده است، هر چند اثر بی‌واسطه‌ی آن تکمیل فرایند انسان‌زدایی است (مارکس، ۱۳۹۳: ۱۷۹). نگاه فنی و یک‌جانبه‌ی گفتمان سبزِ چیا به طبیعت، در حالی است که زیست‌بوم جهانی در پیوند با تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی است و هم‌چون مجموعه‌ای که میان اندام‌واره‌های زنده‌ی آن یعنی آب، خاک و هوا جریان‌ی از داد و ستد و کنشی مداوم برقرار است و گسست در اجزای این مجموعه در هر نقطه‌ای از زیست‌کره می‌تواند عواقب و پیامدهایی برای نقاط دیگری در سطح جهانی داشته باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

از آن‌جا که هر یک از نشانگان نوشتاری اسناد چیا و تم‌های موجود در سخنان اعضای آن جداگانه و به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت، در این‌جا به‌منظور پرهیز از دوباره‌گویی ضروری است عنصر مشترک وحدت‌بخش میان نشانگان را بیرون کشید و به واسطه‌ی آن بازنمایی چیا از بحران‌های زیست‌محیطی را در تصویری کلی‌تر ترسیم نمود. نشانگان فرهنگ‌سازی، ساده‌زیستی، زاگرس، جمعیت، خشونت و کمپین با تأکید بر عاملیت فردی در حل بحران زیست‌بوم منجر به برساخت سوژه‌ی خودبسند و منتهی به خلق تصویری متمایز از جامعه یا ساختارزدایی از وضعیت اجتماعی می‌شود. در نشانگان زیربار و مدیریت با ناکارآمدی دولتی مواجهیم که به‌زعم چیا با توسل به سازمان‌های بین‌المللی ذیل گفتمان حقوق بشری می‌توان دولت را مکلف به انجام وظیفه نمود. در نهایت، نوستالژی چیا با رمانتیزه کردن مسئله‌ی محیط‌زیست به بازنمایی زیبایی‌شناسانه از گذشته دست می‌زند و بازبانی آن را در اکوتوریسم جستجو می‌کند. به این ترتیب منطبق حاکم بر کلیت نظام نشانگانی با درون‌مایه‌ی فردمحوری، ناکارآمدی مدیریتی و تأکید بر محلیت<sup>۲</sup> حاکی از این امر است که چیا بحران‌های زیست‌محیطی را به‌منزله‌ی نمود روابط ساختاری تبیین نمی‌کند. دلیل این امر نه ناشی از نبود آگاهی کافی یا انتخاب استراتژی اشتباه، بلکه آن بستر تاریخی‌ای است که جنبش‌های اجتماعی نوین از بطن آن زاده شده‌اند.

بدین‌گونه چیا، دوگانه‌ی دولت-جامعه‌ی مدنی را برمی‌سازد که پیرو آن نهادهای مدنی برای حل معضلات اجتماعی باید دستگاه دولتی را به چالش بطلبند. این دیدگاه دولت را از مناسبات اجتماعی منتزع می‌کند و آن را بر فراز جامعه قرار می‌دهد، طوری که دولت نه به‌عنوان تجلی سیاسی آرزومندی‌های طبقه‌ی حاکم بلکه هم‌چون دشمنی اهریمنی مقابل جامعه قرار می‌گیرد. در نتیجه‌ی این امر نقش مناسبات سرمایه و طبقه‌ی اجتماعی کارگزار آن نامشهود می‌ماند. روی‌هم‌رفته، بررسی نشانه‌های متون چیا، نشان‌گر اتخاذ «سیاست پدیدار» است که امکان مواجهه با ریشه‌ها و علل بحران‌های زیست‌محیطی را مسدود کرده و آن‌چه بر جای می‌گذارد مبارزه با نتایج یا معلول‌هاست.



### تمهیدات نشانگان چیا در جهت بازنمایی محیط‌زیست

به‌رسم نتیجه‌گیری نهایی باید بر این نکته تأکید کنیم که در مقابل سیاست پدیدار باید «سیاست کلیت» را در پیش گرفت. سیاست کلیت برخلاف سیاست پدیدار که صرفاً پژوهاک امور جزئی منفک‌ازهم است در پی یافتن نشانه‌های امر کلی در تمامی رویدادهای اجتماعی است. سیاست کلیت با تاریخی کردن مسئله‌ی محیط‌زیست، امر محلی را به امر جهان‌شمول پیوند می‌زند و در مقام سیاستی رادیکال جستجوی بدیل در چارچوب وضع موجود را بازتولید ایدئولوژی مسلط می‌پندارد و ارائه‌ی هرگونه برنامه در این زمینه بدون رویارویی مستقیم با نظام سرمایه‌داری را ناممکن می‌داند. نیازی به

ذکر آمار ویرانی محیط‌زیست در تاریخ چند قرن اخیر سرمایه‌داری نیست. روشن است که نظم موجود در مقایسه با تمامی نظام‌های پیشین چه بر سر طبیعت آورده، بنابراین یگانه طریق راهگشا حرکت در جهت تحقق یک انقلاب زیست‌بومی است. از آن‌جا که تاریخ جوامع بشری چیزی به‌جز تعامل انسان با طبیعت نیست، لذا انقلاب در زیست‌بوم، زیر‌زیر کردن ریشه‌ای مناسبات اجتماعی را می‌طلبد. مطالعه انجمن‌های زیست‌محیطی به ما می‌گوید که این انجمن‌ها با وجود مبارزات، تلاش‌ها و هزینه‌هایی که در تقابل تخریب‌گران محیط زیست متحمل می‌شوند، اما بعضاً به دام نوعی کیش حاشیه‌گرایی<sup>۱</sup> می‌افتند که مطابق آن به‌جای پرداختن به نقطه‌ثقل وضعیت موجود ناگزیر بر حواشی متمرکز شده و از هر گونه سویی بازگونی‌گر<sup>۲</sup> تهی می‌شوند و نمی‌توانند مکانیسم‌ها و ساختارهای بنیانی سرمایه‌داری مصرفی را که عامل اصلی تخریب طبیعت هستند به چالش بکشند.

## منابع

- استوار، عدنان. (۱۳۹۵). توسعه بر پایه‌ی انگاره‌های بومی، ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، شماره‌ی ۹، تیر ۱۳۹۵. امینی، سیوان. (۱۳۹۶). آب مایه‌ی حیات، قدرش را بدانیم، ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، سال سوم، شماره‌ی ۲۷، دی ۱۳۹۶.
- انجمن سبز چیا. (۱۳۹۴). روستا تکانی، ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، سال یکم، شماره‌ی ۵، اسفند ۱۳۹۴.
- انجمن سبز چیا. (۱۳۹۴). سرزمین بی‌شکارچی، ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، سال یکم، شماره‌ی ۵، اسفند ۱۳۹۴.
- انجمن سبز چیا. (۱۳۹۶). کاغذ زباله نیست؛ جمع‌آوری بیش از ۶ تن کاغذ باطله در مریوان، ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، ش ۲۲، مرداد ۱۳۹۶.
- ایثاری، مریم. (۱۳۹۹). شهرداری چگونه کاسب زباله شد، سایت میدان.
- ایگلتون، تری. (۱۳۹۱). توهمات پست‌مدرنیسم، ترجمه‌ی مسعود کلبه‌بان، تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگ.
- ایگلتون، تری. (۱۳۹۶). خاستگاه پسامدرنیست‌ها، ترجمه‌ی پرویز صداقت، در پسامدرنیسم در بوته‌ی نقد، گزینش و ویرایش: خسرو پارسا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات آگاه.
- آلتوسر، لویی. (۱۳۸۶). *ایدئولوژی و سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت*، ترجمه‌ی روزبه صدرآرا، تهران: نشر چشمه.
- باتو، امید. (۱۳۹۵). هویت، فرهنگ و محیط‌زیست، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، شماره‌ی ۱۲، مهر ۱۳۹۵.
- بلامی فاستر، جان و مگداف، فرد. (۱۳۹۹). *آیا سرمایه‌داری سبز امکان‌پذیر است؟*، ترجمه‌ی کیوان ابودر، سایت میدان.

1. cult of marginality  
2. subversive

- بلامی فاستر، جان. (۱۳۸۲). *اکولوژی مارکس؛ ماتریالیسم و طبیعت*، ترجمه‌ی علی اکبر معصوم بیگی، تهران: نشر دیگر.
- بلامی فاستر، جان. (۱۳۸۷). *شکست اصلاحات جهانی زیست‌محیطی*، در *سرمايه‌داری و محیط‌زیست*، ترجمه‌ی برزو نابت، تهران: نشر دیگر.
- بلامی فاستر، جان. (۱۳۹۶). *مارکس و محیط‌زیست*، ترجمه‌ی محمود متحد، در *پسامدرنیسم در بوته‌ی نقد*، گزینش و ویرایش خسرو پارسا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات آگاه.
- بلامی فاستر، جان. (۱۳۹۷). *بوم‌شناسی اقتصاد سیاسی مارکسی*، ترجمه‌ی رضا میرزا ابراهیمی، سایت نقد اقتصاد سیاسی.
- بلامی فاستر، جان. (۱۳۹۸). *مارکس در مقام نظریه‌پرداز غذا*، ترجمه‌ی روزبه آقاجری و شیرین کریمی، سایت پروبلماتیکا.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۹۵). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بیانیه‌ی شبکه‌ی انجمن‌های زیست‌محیطی استان کردستان، در خصوص خبر انتقال آب سد آزاد کردستان به همدان، ماه‌نامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، سال دوم، شماره‌ی ۲۲، مرداد ۱۳۹۶.
- توکلی، خالد و فرهاد امین‌پور. (۲۰۱۸). *مرگ شریف باجور؛ آغاز عصر اسطوره‌های مدنی در کردستان*، برگرفته از کانال تلگرامی انجمن سبز چیا ([t.me/chya\\_ngo](https://t.me/chya_ngo)).
- تیم تحقیقاتی-پژوهشی انجمن سبز چیا، تالاب زریبار؛ عوامل تهدید و راه‌کارهای حفاظتی آن، ماه‌نامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، سال یکم، شماره‌ی ۳، دی ۱۳۹۴.
- جمالی، افراسیاب. (۱۳۹۶). *اعتراض، اصلاح مداوم است*، *ماه‌نامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال سوم، شماره‌ی ۲۸، بهمن ۱۳۹۶.
- حسینی، عدنان. (۱۳۹۴). *محیط‌زیست، خشونت و آگاهی کاذب*، *ماه‌نامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۱، آبان ۱۳۹۴.
- حسینی، عرفان. (۱۳۹۵). *۱۷ سال تلاش خستگی‌ناپذیر در راه حفاظت از محیط‌زیست*، *ماه‌نامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۷، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- حیدری، طالب. (۱۳۹۶). *انسان ناسپاس و مدیریت ناشکرانه‌ی آب*، *ماه‌نامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال دوم، شماره‌ی ۲۲، مرداد ۱۳۹۶.
- دابسون، اندرو. (۱۳۷۷). *فلسفه و اندیشه‌ی سیاسی سبزه‌ها*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر آگه.
- دانشور، سوران. (۱۳۹۴). *لزوم تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد*، *ماه‌نامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۱، آبان ۱۳۹۴.

- رشیدی، امید. (۱۳۹۵). شوالیه‌های سبزاندیش را کوچک نشمارید، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۶، فروردین ۱۳۹۵.
- رشیدی، امید. (۱۳۹۴). قانون تاراج اراضی کشور، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۵، اسفند ۱۳۹۴.
- روشن، انور. (۱۳۹۴). پارک جنگلی کوه ایمام و دغدغه‌های زیست‌محیطی، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۱، آبان ۱۳۹۴.
- ریز، جان. (۱۳۸۷). *جبر انقلاب؛ دیالکتیک و سنت مارکسیستی کلاسیک*، ترجمه‌ی اکبر معصوم بیگی، تهران: نشر دیگر.
- زمانی، علی‌رضا. (۱۳۹۵). نقش افزایش جمعیت بر نابودی تنوع زیستی، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۷، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- سینزود، الن میک. (۱۳۹۵). *خاستگاه سرمایه‌داری*، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران: نشر ثالث.
- عزیزی، امین. (۱۳۹۴). منطقه‌ی آزاد، اما چرا صنعتی؟ *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۲، آذر ۱۳۹۴.
- غفوری، آرمان. (۱۳۹۶). انباشت فجایع محیط‌زیستی حاصل بی‌مدیریتی، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال سوم، شماره‌ی ۲۸، بهمن ۱۳۹۶.
- فتحی، دیمین. (۱۳۹۶). تا سه‌راپا نه‌بمه کوی زوخال قهه نارام ناگرم، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال سوم، شماره‌ی ۲۷، دی ۱۳۹۶.
- قادری، ایرج. (۱۳۹۴). یک روزم برای زیربار، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۴، بهمن ۱۳۹۴.
- قادری، چنور. (۱۳۹۵). آثار سوءمدیریت بر چهره‌ی محیط‌زیست، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۷، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- کردستانی، کاوه. (۱۳۹۴). تاراج جنگل برای کباب و چای، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۴، بهمن ۱۳۹۴.
- کردستانی، کاوه. (۱۳۹۵). شکار؛ تفریح یا توحش، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، شماره‌ی ۱۴، آذر ۱۳۹۵.
- کمیته‌ی آموزش انجمن چیا، زغال‌گیری در جنگل‌های بکر مریوان، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال سوم، شماره‌ی ۲۸، بهمن ۱۳۹۶.
- کمیته‌ی حمایت از حیوانات انجمن سبز چیا، شکار و ترویج خشونت، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۲، آذر ۱۳۹۴.



- کهنه‌پوشی، کمال. (۱۳۹۵). دون کیشوت یا شوره سوار، ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی، سال یکم، شماره‌ی ۷، اردیبهشت ۱۳۹۵
- مارکس، کارل. (۱۳۷۷). *گروندریسه؛ مبانی نقد اقتصاد سیاسی*، جلد اول، ترجمه‌ی باقر پرهام و احمد تدین، تهران: نشر آگه.
- مارکس، کارل. (۱۳۹۴). *سرمایه؛ نقد اقتصاد سیاسی*، مجلد یکم، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران: نشر لاهیتا.
- مارکس، کارل. (۱۳۹۷). *دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴*، ترجمه‌ی حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آشیان.
- ماشری، پی‌یر و اتین بالیبار. (۱۳۹۸). *ادبیات به‌مثابه‌ی فرم/ایدئولوژیک*، در علم و ایدئولوژی، لویی آلتوسر، ترجمه‌ی مجید مددی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- مالجو، محمد. (۲۰۱۴). *کالایی‌سازی طبیعت در دولت یازدهم*، سایت نقد اقتصاد سیاسی.
- محمدی، انور و زائری، قاسم. (۱۳۹۹). *تحلیل گفتمان فرهنگ زیست‌محیطی در ایران*، فصلنامه جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۲ (۱).
- نویدی، فرزاد، بازگشت به سنت پیشینیان برای حفاظت محیط‌زیست، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۴، بهمن ۱۳۹۴.
- والیس، ویکتور. (۱۳۸۷). *محیط‌زیست، دموکراسی و سوسیالیسم*، در سرمایه‌داری و محیط‌زیست، ترجمه‌ی برزو نابت، تهران: نشر دیگر.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۵). *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*، ترجمه‌ی محمود عبدالله‌زاده، تهران: نشر دات.
- هوشیار، فرزاد. (۱۳۹۴). روز جهانی تالاب‌ها و اهمیت دریاچه‌ی زریبار، *ماهنامه‌ی فرهنگی-اجتماعی*، سال یکم، شماره‌ی ۴، بهمن ۱۳۹۴.
- Burkett, Paul (1999), *Marx and Nature; A Red and Green Perspective*, St.Martin's Press; New York.
- Foster, J. B., & Clark, B. (2020). *The robbery of nature: capitalism and the ecological rift*. NYU Press.
- Grljia, D., & Jelena, V. (2007). The Neoliberal Institution of Culture and the Critique of Culturization, *Journal; the post-yugoslavian condition of institutional critique*.
- Roy, A. (2014). The NGO-ization of Resistance. *Toward Freedom*, 8.
- Seethi, K. M. (2001). Postmodernism, Neoliberalism and Civil Society: A Critique of the Development Strategies in the Era of Globalisation. *The Indian Journal of Political Science*, 307-320.
- Weston, D. (2014). *The political economy of global warming: The terminal crisis*. Routledge.

## Consumer culture and destruction of nature: the approach of environmental associations to the ecosystem (Case study: Chya the Green Organization)

Shafii Javadzade Aghdam<sup>1</sup>, Jamal Mohamadi<sup>2\*</sup>

### Abstract

This research is an attempt to analyze critically the green politics as the basis of the approach of environmental associations to the ecosystem. This attempt is done through relying on the concept of consumer culture and its role in destructing ecosystem in contemporary world. The main argument is that environmental associations neglect the role of global capitalistic mechanisms when analyzing the causes of environmental crises and its solutions. Hence, they fall into the trap of a marginalist cult due to concentrating on particular and contextual phenomena. From the viewpoint of this research, the destruction of nature in contemporary era is something deeply related to social and political conditions, and this relation can only be explained through analyzing texts, documents, attitudes and activities of activists of environmental associations. The field of study is *Chya Green Organization* in Mariwan. The data are gathered in two levels: texts and documents produced by Chya and interviews with active members of this association about their attitudes and behaviors towards environment. The first data are analyzed by way of symptomatic reading and the second data through thematic analysis. The findings show that culturalization, violence, management, human rights, nostalgia, ecotourism, *Zagros*, *Zaribar* and campaign are among the most prevalent signs in texts and documents produced by this association. Also, constitutionalism, identification and realism are the central themes as to the green politics of Chya.

**Key words:** environmental associations, environmental crises, green politics, symptomatic reading, Chya Green Organization.

---

<sup>1</sup>. M.A. Student, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.